

استواری قرآن از دیدگاه معصومین

محمد بیرجندی

- رهیافت تغییر و تحریف در کتابهای آسمانی پیش از قرآن، چونان تورات و انجیل،
- تدوین و گردآوری آیات در مجموعه‌ای واحد، پس از سپری شدن عصر نزول و رحلت رسول اکرم
(ص) آن هم پس از گذشت زمانی چند!

- تلاش مذاهب گوناگون اسلامی، برای مستند ساختن مرام و مسلک فکری و عملی خود به دلیلهای
شرعی و ثابت کردن ناسازگار نبودن مذهب ایشان با آیات قرآن و ...

از جمله عواملی است که شبهه تحریف قرآن را در نای برخی دمیده و بر قلب بعضی جاری ساخته است!
هر یک از این عوامل شبهه‌انگیز، پاسخ خاصی برای خود می‌طلبد که پرداختن به همه آنها در یک مقاله،
میسر نیست؛ چه این که تمایز قرآن از تورات و انجیل و تفاوت‌های زمان و پیامی و ارزشی آن، خود میدانی
گسترده، در پیش روی تحقیق می‌گشاید.

با منکرانی که اصل شریعت آسمانی را منکرند و یا تنها شریعت محمدی (ص) را نپذیرفته‌اند به گونه‌ای
دیگر باید سخن گفت.

نزول تدریجی و گردآوری قرآن را پس از فاصله زمانی، با ملاکها و مدارک ویژه تاریخی و فرهنگی باید
مورد مطالعه قرار داد.

با مذاهبی که به منظور توجیه برداشتها و باورهای خود، دامن قرآن را به غبار اتهام تحریف، آغشته‌اند!
سخنی دیگر باید داشت، ولی این را می‌توان اعتباراف داشت که تمامی مؤمنان و معتقدان به حق بودن قرآن و
نزول آن از جانب خداوند، با وجود تصریح آیاتی چند به مصون بودن قرآن از دستبرد خائنان و تحریف‌گران،
نمی‌بایست شبهه تحریف را، مجال دهند و مطرح سازند، جز برای پاسخ‌گویی و تبیین حق.

چه سخنی روشن‌تر از این کلام الهی است:

حجر / ۹

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»

ما خود قرآن را نازل کرده‌ایم و خود آن را حافظ و پاسداریم.

«... إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱) لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ

تَنْزِيلٍ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲) فصلت ۴۱ - ۴۲

و به راستی، قرآن کتاب خدشه‌ناپذیر و توانمند است که باطل از پیش رو و پشت سر بدان ره
نمی‌یابد، [چه این که قرآن] نازل شده از سوی خدای حکیم حمید است.

روشن است که پیامبر (ص) به عنوان امانتدار وحی، می‌بایست نگران آینده معجزه جاوید خود باشد و به
چگونگی گردآوری آن بیندیشد و خداوند به او اطمینان و آرامش دهد:

«... ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ» قیامه / ۱۷

... همانا بر ماست که قرآن را گردآوریم و [بر تو] بخوانیم.

این آیات و آیات دیگری از این دست، می‌نمایند که قرآن در قلمرو حفاظت ویژه الهی قرار دارد و از سوی خداوند، سلامت آن تضمین شده است.

افزون بر روایات، دلیلهای عقلی و نقلی و شواهد تاریخی و نشانه‌های علمی و فرهنگی نیز بر این واقعیت گواهی می‌دهند.

از آن میان، به دلیل زاویه نگاهی که در این تحقیق برگزیده‌ایم، تنها به بررسی دیدگاه اهل بیت (ع) در تحریف‌ناپذیری قرآن، می‌پردازیم؛ چه این که آنان مفسر کلام وحی، عدل قرآن و بیانگر حقایق آن هستند و سخن و روش آنان، خود میزان است.

احادیثی که از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) در اختیار است و در جای جای کتابهای حدیث ثبت شده است، بیانهای مختلفی دارند که در چند گروه قرار می‌گیرند:

۱. روایات ارجاع‌دهنده احادیث به قرآن و تعیین‌کننده قرآن به عنوان معیار شناخت درستی و نادرستی دلیلهای نقلی و روایی.

۲. روایات ارجاع‌دهنده مردم به قرآن، در فتنه‌ها و بحرانهای فکری و ابهامهای معرفتی.

۳. روایاتی که قرآن و اهل بیت را ثقلین دانسته و تمسک به آن دو را شرط نجات از گمراهی شمرده‌اند.

۴. روایاتی که نکوهش‌گر دورماندگان از قرآن هستند.

۵. روایات فراوانی که در آنها اهل بیت به آیات قرآن تمسک کرده و اعتبار سخن خود را با استناد به کلام وحی نمایانده‌اند.

۶. روایاتی که شیعه را در قراءت قرآن به همگونی با سایر مسلمانان فراخوانده است. اکنون پیش از پرداختن به مطالب دیگر، نمونه‌ای از این دسته روایات را مورد توجه قرار می‌دهیم.

قرآن، معیار درستی و نادرستی روایات

* «انّ علی کلّ حقّ حقیقه و علی کلّ صواب نوراً فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه.»^۱

هر حقی را حقیقتی گواه است و هر درستی را نوری مؤید است، پس آنچه از احادیث و سخنان که موافق کتاب خداست، دریافت کنید و آنچه مخالف کتاب خداست رها سازید و مورد عمل و ملاک معرفت قرار ندهید.

عمر بن حنظله، روایتی را از امام صادق (ع) نقل کرده است که مشایخ سه گانه امامیه؛ یعنی شیخ طوسی و کلینی و صدوق در کتابهای خود بدان اشارت داشته‌اند و با این که از نظر سند مرسله است، علما آن را پذیرفته‌اند:

* «قال: قلت فان كان الخبران عنكم مشهورین قد رواهما الثقات عنكم.

قال: ينظر ما وافق حكمه حكم الكتاب و السنّه و خالف العامه فيؤخذ به و يترك ما خالف الكتاب و السنّه و وافق العامه»^۲

به امام صادق (ع) گفتم: هرگاه دو روایت ناهمگون به ما برسد که هر دو مشهور و راویان موثق آن را نقل کرده باشند، وظیفه چیست و کدام یک را باید برگزید؟
امام صادق (ع) فرمود: بیان و حکم هر روایت که با حکم قرآن و سنت پیامبر (ص) موافق است و با مکتب دورماندگان از اهل بیت، ناهمگون است، گزیده می‌شود و آن دیگری که مخالف قرآن و سنت و هماهنگ با عامه است، وانهاده می‌شود.

* امام رضا (ع) فرمود:

«فما ورد عليكم من حديثين مختلفين فاعرضوهما على كتاب الله فما كان في كتاب الله موجوداً حلالاً أو حراماً فاتبعوا ما وافق الكتاب و مالكم يكن في الكتاب فاعرضوهما على سنن رسول الله صلى الله عليه و آله.»^۳
هرگاه با دو روایت ناهمگون روبه‌رو شدید، نخست آن دو را بر کتاب خدا عرضه کنید و با آن بسنجید، اگر مفادش در کتاب خدا موجود است (حلال یا حرام) از آن که موافق قرآن است پیروی کنید و چنانچه در اثبات یا نفی آن حکم سخنی در قرآن نیافتید، آن دو حدیث را به سنت پیامبر عرضه کنید و با آن بسنجید.

* امام صادق (ع) فرمود:

«إذا ورد عليكم حديثان مختلفان فاعرضوها على كتاب الله، فما وافق كتاب الله فخذوه و ماخالف كتاب الله فذروه.»^۴

هرگاه دو حدیث ناهمساز به شما رسید، آن دو را با کتاب خدا بسنجید، موافق قرآن را مورد عمل قرار دهید و مخالف را دور افکنید.

جز این روایات، روایات بسیاری در کتابی روایتی شیعه و اهل سنت وجود دارد که بر محور بودن قرآن و ملاک بودن آن در برابر احادیث تصریح شده است.^۵

بازگشت به قرآن در بحرانهای فکری و عملی

عن الصادق (ع): قال رسول الله (ص): «... فاذا التبتست عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن، فانه شافع مشفع...»

هرگاه فتنه‌ها مانند شب تاریک به شما هجوم آورد، به قرآن پناه برید، زیرا قرآن شفاعت‌گری توانا و کارآمد است [و متمسکان به خود را نجات می‌دهد].

همانند این بیان از امام علی (ع) نیز نقل شده است.

این بیان مشترک از امام علی و امام صادق (ع) می‌نمایاند که قرآن از نظر اهل بیت در فاصله زمانی عصر دو امام، هرگز جایگاه والا و هدایت‌گری بی‌چون و چرای خود را از دست نداده و از اعتبار مطلق برخوردار بوده است.

قال علی (ع) سمعت رسول الله (ص) يقول: أتاني جبرئيل فقال يا محمد ستكون في امتك فتنة. قلت فما المخرج منها؟

قال: كتاب الله فيه بيان ما قبلكم من خير و خبر ما بعدكم...⁶

علی (ع) فرمود از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! به زودی در امت تو فتنه و بحران بزرگی رخ می‌نماید.

به او گفتم راه گریز از آن فتنه چیست؟

جبرئیل گفت: مراجعه به کتاب خدا راه گریز و ایمنی است؛ زیرا در قرآن هرگونه آگاهی ضروری نسبت به گذشته و آینده وجود دارد.

تمسک به قرآن و اهل بیت

۱. رسول خدا (ص) فرمود:

«أني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي اهل بيتي ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى أبداً.»⁷

دو چیز ارجمند در میان شما برجای می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم، اگر به این دو تمسک جوئید، پس از من گمراه نشوید.

روایات در این زمینه و با این بیان در حد تواتر وجود دارد، به گونه‌ای که نمی‌توان در صدور آن از رسول خدا تردید کرد.⁸

امام باقر (ع) فرمود:

«و كان من نبذهم الكتاب أن أقاموا حروفه و حرفوا حدوده.»⁹

کنار نهادن و فراق‌کندن آنان قرآن را چنین بود که ظاهرش را ارج نهادند و قراءت کردند، ولی حدود و محتوایش را تحریف کردند.

استشهاد به آیات در بیان احکام

علی (ع) در حدیث مناشده به بسیاری از آیات قرآن استشهاد کرده است¹⁰ و این آیات برابرند با آنچه در قرآن موجود بوده است.

حضرت زهراء (س) نیز در آن خطبه گرانسنگ خویش و نیز در احتجاج خود با مخالفان¹¹ و سلمان نیز در مناشده خود به آیات قرآن تمسک کرده است.¹²

به عنوان نمونه، علی (ع) در مناشده با ابوبکر، برای احقاق حق خویش فرموده است:

«نشدتکم بالله هل فیکم أحد نزلت فیہ هذه الآیة: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده / ۵۵) غیری؟ قالوا لا.»^{۱۳}

شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی هست که این آیه درباره او نازل شده باشد؟ همانا ولی شما خدا و رسول خدا و آناند که ایمان آورده‌اند، آنان که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.
گفتند: نه.

پس از آن فرمود:

«قال نشدتکم بالله هل فیکم أحد أنزل الله فیہ: «أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيَّ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مجادله / ۱۳) غیری؟ قالوا لا.»^{۱۴}

شما را به خدا سوگند! آیا جز من کسی هست که این آیه درباره وی نازل شده باشد؟ آیا سقایت حاجیان و ساختن مسجدالحرام را همانند آن کسی می‌دانید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است، اینها نزد خدا یکسان نیستند.
گفتند: نه.

دعوت مردم به قراءت همگون آیات

امام صادق (ع) فرمود:

«واقراً كما یقرأ الناس.»^{۱۵}

مقتضای روایت، این است که امام صادق (ع) قرآن موجود را همان کتاب نازل شده از سوی خداوند دانسته است.

تحلیلی بر روایات یادشده: آنچه از روایات که تا بدین جا یاد کردیم، تنها نمونه و اشاره‌ای به روایات بسیار در این زمینه است و ما در این نوشته، تنها درصدد پی‌ریزی شالوده این نگرشیم و نه کاوش همه روایاتی که ذیل هر یک از عنوانهای یادشده می‌گنجد.

اما این که روایات یادشده چگونه بر مقصود دلالت دارند و چطور می‌توان از این دسته احادیث، نتیجه گرفت که امامان (ع) قرآن موجود در میان مسلمانان را قرآن کامل و به دور از فزونی و کاستی می‌شمردند، نیاز به تحلیل و بیانی به اشارت دارد.

سخن این است که اگر به راستی قرآن به عنوان مجموعه‌ای مشخص و تدوین یافته در عصر ائمه، استواری و مصون ماندن کامل نداشت و احتمال افزایش یا کاستی در آن می‌رفت، هرگز این مجال باقی نمی‌ماند که امامان، اصحاب خویش را به قرآن ارجاع دهند و قرآن را ملاک شناخت درستی و نادرستی

احادیث معرفی کنند؛ چه این که احتمال تحریف، مایه بی‌اعتباری و تضعیف است و متن بی‌اعتبار و ضعیف نمی‌تواند ملاک و معیار و داور قرار گیرد.

اگر به راستی قرآن در گذرگاه تحریف و در معرض دستبرد رهنزان و دسیسه‌گران قرار داشت و شرایط تاریخی و تدبیرهای الهی آن را مصونیت نبخشیده بود، معنا نداشت که امامان، مردمان را در بحرانهای فکری و عقیدتی و سردگرمیهای عملی به پناه قرآن فراخوانند؛ چه این که در آن صورت، قرآن نیز نمی‌توانست پناهگاه امن و سقفی مستحکم باشد.

اگر به راستی اهل بیت در تمامیت و ارجمندی تمامی پیامها و آیات قرآن موجود میان جامعه، کم‌ترین تردیدی داشتند، جا نداشت که مردم را به فهم قرآن و عمل برابر محتوا و حدود آن وادارند و دست کم می‌بایست به وجود کاستیها و فزونیها (هرچند اندک) هشدار دهند و راه شناخت کاستیها و فزونیها را بنمایانند.

اگر قرآن ثقل اکبر دانسته شده است، نظر به قرآنی دارد که بر پیامبر (ص) نازل شده و در میان مردم حضور دارد و در دسترس ایشان است، چنانکه عترت در میان مردم حضور داشتند و پیامبر آن دو را باهم، پس از خویش برجای نهاد و مردم را به تمسک به ایشان دعوت کرد.

اگر قرآن در معرض گمانه تحریف قرار داشت، می‌بایست پیامبر هشدار دهد که منظور از قرآن، نه آن است که در دسترس مردمان قرار داد، بلکه آن است که بر من نازل شده و امکان دارد در دست مردمان گرفتار زیاده و کاستی شده باشد!

جالب است که در زمینه روایات، رسول خدا، چنین هشدار را داده است؛ یعنی آن گرامی به واقعیتهای جاری توجه داشته و یادکرده است که: «دروغ‌گویان و تهمت‌زندگان بر من زیاد شده‌اند» و باید مراقب باشید تا آنچه به دروغ به من نسبت می‌دهند نپذیرید.

پس اگر در زمینه تمسک به قرآن، چنین هشدار داده نشده، نه از سر بی‌توجهی، بلکه براساس اعتقاد به مصون بودن قرآن از تحریف بوده است.

از دیگر نشانه‌های مصون بودن قرآن از تحریف لفظی، این است که هر جا لغزشگاه و خطرگاه بوده است، پیامبر یادآور می‌شده است، از جمله این که تحریف در تفسیر و تأویل و برداشت ممکن بوده پیامبر هم بدان هشدار داده است. از جمله در روایتی می‌فرماید:

«اکثر ما أخاف علی امتی من بعدی، رجل یتأول القرآن، یضعه علی غیر مواضعه.»

بیش‌ترین ترس من بر امتم پس از خودم، از مردمی است که قرآن را تأویل می‌کنند و آن را در غیر جای خود قرار می‌دهند.

همین نگرانی در کلام علی (ع) نیز بازتاب یافته است:

«ایاک أن تفسر القرآن برأیک.»

از آن پرهیز که قرآن را به رأی خود تفسیر کنی.

در عصر امام صادق (ع) نیز، نگرانی اصلی همین نگرانی بوده است.

امام صادق (ع) فرمود:

«من فسر القرآن برأيه فأصاب لم يؤجر، و ان خطأ كان ائمه عليه.»

هرکس قرآن را به رأی خود تفسیر کند و درست بگوید، پاداشی به او داده نمی‌شود، و اگر خطر کند گناه آن بر وی خواهد بود.

چنانکه دیده می‌شود، در این مجموعه روایات، نگرانی از تحریف محتوایی آیات است و در زمینه تغییر لفظی، هشدار و نگرانی در روایات پیامبر و امام علی و امام باقر و امام صادق (ع) به چشم نمی‌خورد. تمسک اهل بیت به آیات قرآن، نیز حکایت از اعتبار بی‌چون و چرای آیات در نظر ایشان داشته است، آیاتی که برای مردم آشنا بوده و همگان آن را می‌شناخته‌اند و اگر جز این بود، باید اصحاب می‌پرسیدند که این آیه در قرآن نیست و با آن آشنا نیستند! و یا این آیه با بیان و گونه‌ای دیگری در قرآن رایج، ثبت شده است!

اما می‌بینیم که این گونه استدلالها در فضایی به طور کامل آشنا و مطمئن و به دور از ابهام و تردید و توضیح صورت می‌گرفته است.

افزون بر این، وقتی امام صادق (ع) اصحاب و پیروان را به قراءت قرآن، آن هم، آن گونه که همگان قراءت می‌کنند فرا می‌خواند، تصریح به این حقیقت است که در اندیشه امامیه و در مکتب اهل بیت، قرآن، همین قرآن موجود در میان امت اسلامی است، بی‌هیچ فزونی و کاستی.

بلی، تنها نکته‌ای که در این میان سؤال‌انگیز است و مایه ابهام شده، وجود برخی روایات است. بررسی یکایک این روایات از نظر سند و محتوا و نوع بیان، نیاز به فرصتی جداگانه دارد، ولی کوتاه سخن درباره این روایات، این است که بسیاری از این روایات، در مقام بیان تأویل آیات و گزینش نمونه و انطباق بر نمودهای عینی آن بوده است، نه این که مدعی حذف و اضافه در کلام وحی و آیات قرآن باشد!

گذشته از این نکته، اگر از بررسی سندی و دلالتی این روایات چشم‌پوشی کنیم و فرض را بر این بگذاریم که از ظاهر این روایات، موضوع تحریف استفاده می‌شود، بازهم نمی‌توانیم برای ظهور آنها اعتباری قایل شویم، زیرا این ظهور، با صریح آیات قرآن که خداوند سلامت و مصون بودن قرآن را تضمین کرده، ناسازگارند. در این گونه روایات، احتمال جعل و نارسایی فهم روایی از مراد امام هست، ولی در مورد آیات قرآن، چنین احتمالی نمی‌رود که چیزی به قرآن افزوده شده باشد، یا پیامبر وحی را درنیافته برای مردمان بازگفته باشد! و به هر حال در خصوص آیات مورد استناد برای تحریف نشدن، هیچ گونه تردیدی وجود ندارد.

افزون بر این، در برابر چند روایت موهم تحریف، صدها روایت معتبر و مستدل و مستحکم وجود دارد که اعتماد ائمه به قرآن موجود در عصر خود را می‌رساند و تردیدی نیست که از عصر ائمه تاکنون، هیچ گونه تغییری در آیات قرآن داده نشده است.

باوجود این اعتماد فراگیر اهل بیت به قرآن و استناد و استدلال ایشان به محتوای آن و تشویق مردم به مراجعه به آن، باتوجه به مسؤولیتی که در قبال پاسداری از کلام وحی و دستاورد رسول خاتم داشته‌اند که اگر خللی در قرآن راه یافته بود می‌بایست با صراحت و در حد لازم آن را بیان کنند، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن از بالاترین درجه اعتبار و حجت بودن و تمام بودن، در مکتب اهل بیت برخوردار بوده است و این همه را در آئینه صدها حدیث و بیان می‌توان یافت.

از آن جمله این حدیث که آن را ختام نیک و گویای این تحقیق قرار می‌دهیم:

امام رضا (ع) در وصف قرآن فرمود:

«هو جبل الله المتین و عروته الوثقی، و طریقه المثلی، المؤدی الی الجنّه و المنجی من النار، لایخلق من الازمنه، و لایغث علی الاسنه، لانه لم یجعل لزمان دون زمان، بل جعل دلیل البرهان، و حجه علی کل انسان، «لایأتیه الباطل ن بین یدیه و لامن خلفه تنزیل من حکیم حمید.»

قرآن، ریسمان استوار و متین و دستگیره محکم و درخور اعتماد و راهی نمونه و بی‌بدیل است که به بهشت منتهی می‌شود و از دوزخ‌رهایی می‌بخشد. در طول زمان کهنه نمی‌شود و ارجمندی و وزانت خود را از دست نمی‌دهد؛ زیرا آن برای یک عصر قرار داده نشده است، بلکه راهنما و برهان و حجت بر هر انسان است. باطل و نادرستی و کژی در آن راه نمی‌یابد، نه از پیش رو و نه از گذشته‌ها و پشت سر، فرو فرستاده خدای حکیم حمید است.

مانند این بیان از رسول خدا و علی بن ابی‌طالب (ع) و سایر امامان معصوم (ع) در کتابهای حدیث فراوان است و اگر این بیان را از امام رضا (ع) آوردیم و بدان بسنده کردیم، از آن روست که بنمایانیم، ائمه در گردآوری قرآن و شکل موجود آن در عصر امامت، کم‌ترین خدشه نداشته‌اند و بی‌هیچ قید و شرط و تبصره و هشدار نسبت به کاستی و فزونی آن، بر استواری و راهگشایی و هدایت‌گری آن تصریح و تأکید داشته‌اند.^{۱۶}

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، اسلامیه، ۶۹/۱؛ حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۷۸/۱۸.

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، اسلامیه، ۶۷/۱؛ حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ۷۵/۱۸.

۳. شیخ صدوق، محمدبن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان، ۲۰/۱.

۴. حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ۸۴/۱۸.

۵. همان، ۷۵/۱۸.

۶. فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، تفسیر صافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۵/۱.

۷. همان، ۱۶/۱.

۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۰۴/۲۳ و بسیاری از منابع دیگر.

۹. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ۵/۸.

۱۰. طبرسی، الاحتجاج، ۱۳۲/۱.

۱۱. همان، ۹۷/۱.

۱۲. همان، ۱۱۳/۱.

١٣. همان، ١٣٩/١.

١٤. همان، ١٤٠/١.

١٥. فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، تفسیر صافی، ٤٠/١.

١٦. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ١٤/٩٢.